

## واکاوی بایسته‌های قاعده‌گذاری تقنینی در قاعده تعدد مادی جرایم تعزیری



احمد رحیمی\*<sup>۱</sup>، محمدابراهیم شمس‌ناتری<sup>۲</sup>، احمد حاجی‌ده‌آبادی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران
۲. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران
۳. استاد گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۸

نوع مقاله: پژوهشی

DOI: [10.22034/qiplk.2024.1910.1729](https://doi.org/10.22034/qiplk.2024.1910.1729)

### چکیده

نیل به اهداف قانون توسط هر قاعده و با هر کیفیتی امکان‌پذیر نیست؛ بلکه رعایت سنجه‌هایی در وضع قانون لازم است تا علاوه بر افزایش کیفیت و اثرگذاری و کارایی قواعد قانونی اهداف اصلی مورد نظر مقنن نیز محقق شود. بر همین اساس بند ۹ سیاست‌های کلی قانون‌گذاری در مقام تعیین سیاست‌های بایسته حوزه تقنین در جهت تحقق بخشیدن به تصویب قوانین مطلوب مجموعه‌ای از معیارها را تعیین کرده است. با مذاقه در این معیارها می‌توان «شفافیت»، «قابل اجرا بودن»، و «تأمین اهداف» را در شمار سنجه‌های اساسی محک قانون مطلوب به شمار آورد.

تتبع در نتیجه فرایند تقنین نمایانگر عدم توجه قانون‌گذار به این سنجه‌ها در مواردی است. از جمله این موارد قاعده تعدد مادی جرایم تعزیری است. این در حالی است که به دلیل ضمانت اجرای تشدیدشده موارد تعدد جرم و ارتباط با نظم عمومی رعایت این سنجه‌ها اهمیتی مضاعف می‌یابد. از این رو، این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای صورت گرفته است درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که قاعده تعدد مادی جرایم تعزیری از منظر بایسته‌های «شفافیت»، «قابل اجرا بودن»، و «تأمین اهداف» چگونه ارزیابی می‌شود؟ نتیجه این پژوهش نمایانگر آن است که این سنجه‌ها در موارد متعدد در قاعده تعدد مادی جرایم تعزیری رعایت نشده‌اند.

کلیدواژگان: تأمین اهداف، تعدد مادی، شفافیت، قابل اجرا بودن، قاعده‌گرایی.



## مقدمه

اهمیت وجود قانون در جهت حفظ نظم عمومی، برقراری عدالت اجتماعی، و ایجاد محیط مساعد در جهت تعامل جمعی بر کسی پوشیده نیست و وجود آن همانند اکسیژن لازمه حیات انسان است. لکن وضع قانون با هر کیفیت و عیاری توان تحقق بخشیدن به این اهداف را ندارد؛ بلکه قانونی مطلوب است که ضامن تحقق و حفظ ارزش‌های بنیادین جامعه باشد (رحیمی، ۱۴۰۰: ۹). برای تحقق قانون مطلوب، همانند دیگر موضوعات حقوقی و سیاسی، مجموعه‌ای از بایسته‌ها و معیارها و اصول در نظر گرفته شده است که سنجه و شاخص محک قانون محسوب می‌شود و در پرتو آن‌ها می‌توان «قانون مطلوب» را از «قانون نامطلوب» بازشناخت (فراهانی، ۱۴۰۱: ۷۶). در این زمینه بند ۹ سیاست‌های کلی قانون‌گذاری (ابلاغی، ۱۳۹۸) در مقام تعیین سیاست‌های بایسته حوزه تقنین، در جهت تحقق بخشیدن به تصویب قوانین مطلوب، مجموعه‌ای از معیارها را تعیین کرده که «شفافیت و عدم ابهام»، «قابل اجرا و قابل سنجش بودن اجرای آن»، و «تأثیر اجرای قانون» از مهم‌ترین آن‌ها است. بر این اساس قانون مطلوب قانونی است که اولاً شفاف و بدون ابهام باشد. ثانیاً قابلیت اجرا داشته باشد. ثالثاً تأثیر اجرای آن در جهت تحقق اهداف قانون مطمح نظر قرار گیرد. از این رو می‌توان سه ویژگی «شفافیت»، «قابل اجرا بودن»، و «تأمین اهداف» را در شمار سنجه‌های اساسی محک قانون مطلوب به شمار آورد.

این ویژگی‌ها نه تنها لازمه کلیت یک قانون مطلوب است، بلکه در درون قانون نیز هر فصل یا بخش یا قاعده‌ای باید از این ویژگی‌ها برخوردار باشد تا از مجموع آن‌ها قانون مطلوب حاصل شود. به عبارت دیگر، ویژگی‌های قانون مطلوب تنها مختص معنای اعم قانون و کلیت آن نیست؛ بلکه هر قاعده قانونی نیز باید شفاف و بدون ابهام، قابل اجرا، و تحقق‌بخش اهداف وضع خود باشد. لکن در مواردی این سنجه‌ها به‌خوبی مورد توجه قانون‌گذار قرار نمی‌گیرد و قاعده‌های مصوب قانون‌گذار از این منظر قابل نقد به نظر می‌رسد. از جمله این موارد قاعده تعدد مادی جرایم تعزیری مقرر در ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ (اصلاحی ۱۳۹۹) قانون کاهش مجازات حبس تعزیری) است. این در حالی است که به دلیل تشدید ضمانت اجرا در حالت تعدد جرم و ارتباط با نظم عمومی رعایت این سنجه‌ها اهمیتی مضاعف می‌یابد.

بر این اساس، این پژوهش با بهره‌گیری از داده‌های کتابخانه‌ای و با شیوه توصیفی-تحلیلی به بررسی قاعده تعدد مادی جرایم تعزیری از منظر سنجه‌های «شفافیت»، «قابل اجرا بودن»، و «تأمین اهداف» می‌پردازد. در این زمینه، سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از محک قاعده تعدد مادی جرایم تعزیری از منظر سنجه‌های «شفافیت»، «قابل اجرا بودن»، و «تأمین اهداف». به عبارت دیگر، قاعده تعدد مادی جرایم تعزیری از منظر بایسته‌های «شفافیت»، «قابل اجرا بودن»، و «تأمین اهداف» چگونه ارزیابی می‌شود؟

از منظر پیشینه پژوهش، جست‌وجو در آثار حقوقی مبرهن عدم نگرش اثری با این زاویه دید و نسبت به این قاعده خاص از قانون مجازات اسلامی است. توضیح اینکه، نزدیک‌ترین اثر به پژوهش حاضر مقاله «معیار تفکیک جرایم 'مختلف' از جرایم 'غیر مختلف' در اعمال قواعد تعدد مادی جرم» (روستایی و رحمانیان، ۱۴۰۱) است. در این مقاله چهار ضابطه جهت شناسایی جرایم غیر مختلف تبیین و نقد شده‌اند و در آخر ضابطه‌های وحدت عناصر متشکله و مجازات به عنوان دیدگاه مختار معرفی شده‌اند. بنابراین با توجه به اینکه در این پژوهش قاعده تعدد مادی جرایم تعزیری بر مبنای سیاست‌های کلی قانون‌گذاری در سنجه‌های مرجح قانون مطلوب مورد بررسی قرار می‌گیرند این پژوهش از جهت تطبیق زاویه و جهت سنجش بر مصداق خاص مورد سنجش کوششی بدیع محسوب می‌شود.

پژوهش حاضر در ابتدا مفاهیم «قاعده قانونی» و «تعدد مادی جرایم» را در جهت تشحید ذهن خواننده تشریح و در ادامه به ترتیب سنجه‌های «شفافیت»، «قابل اجرا بودن»، و «تأمین اهداف» را تبیین می‌کند و تعدد مادی جرایم تعزیری را از منظر این بایسته‌ها مورد بررسی و نقد قرار می‌دهد و در انتها، ضمن جمع‌بندی مطالب، پیشنهادهایی جهت اصلاح قانون ارائه می‌کند.

## ۱. مفهوم‌شناسی

تبیین و روشنگری در رابطه با مفاهیم بنیادین پژوهش عنصری اساسی در همسویی و وفاق دید نویسنده و خواننده یک اثر علمی است تا اختلاف در برداشت از مفاهیم موجب استنباط متباین از محتوا نشود. بر همین اساس در ادامه مفهوم «قاعده قانونی» و «تعدد مادی جرایم» بررسی و تبیین می‌شود.

### ۱-۱. قاعده در لغت و اصطلاح

قاعده در لغت به معنای اصل، بنیاد، پایه، اساس، و ضابطه است (معین، ۱۳۸۵: ۲۶۱۷؛ دهخدا، ۱۳۸۵: ۲۱۶۰). بر اساس معنای لغوی، قواعد خانه پایه‌های آن هستند و قاعده مثلث به آن ضلعی گفته می‌شود که پایه مثلث است و مثلث بر آن استوار است (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۴۰۱: ۳ - ۶). در ترمینولوژی حقوق، قاعده حقوقی عبارت است از «هر مفهوم کلی حقوقی که بیرون از حدود فرض قانونی باشد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۲۸۳۹). از نظر فقه قاعده «فرمول بسیار کلی است که منشأ استنباط قوانین محدودتر بوده و اختصاص به یک مورد خاص ندارد» (اباذری فومشی، ۱۳۹۲: ۳۶۹ - ۳۷۰). به عبارت دیگر، قاعده فقهی یک حکم کلی است که مصادیق و موارد متعددی دارد و با آن‌ها منطبق است. بنابراین قاعده حکمی کلی است و عمومیت دارد و مخصوص به یک مورد نیست. قاعده در اصطلاح به یک حکم کلی، که قابل انطباق با جزئیات است، گفته می‌شود. مثلاً، در علم نحو حکم‌های «کل فاعل مرفوع» و «کل مفعول منصوب» از زمره قواعد آن علم است (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۷: ۲۹ - ۳۱). بنابراین، قاعده اختصاص به حکم خاص ندارد. به تعبیر دیگر همان‌طور که از یک حکم کلی احکام بی‌شمار جزئی متفرع می‌شود از یک قاعده هم احکام کلی متعددی استنتاج می‌شود. با فهم کامل قاعده کلی، بسیاری از فروع حل می‌شود و شخص قدرت و توانایی لازم برای فهم و حل مشکلات جزئی را پیدا می‌کند (عمیدزنجانی، ۱۳۹۷: ۲۶). حال که مفهوم لغوی قاعده در حد نیاز مبرهن شد تبیین مفهوم قاعده قانونی (قاعده در قانون‌گذاری) لازم است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱-۲. قاعده در قانون‌گذاری

اصولاً قانون وضع می‌شود تا بر روابط یک جمع حاکم شود و در هر اجتماع یا گروه بزرگ باید قواعد، ضوابط، و اصول عام ابزار اصلی کنترل اجتماعی باشند و قانون‌گذار حکم کلی و عام را مقرر کند، نه دستورهای خاص را که جداگانه به هر یک از افراد داده می‌شوند. اگر بیان ضوابط عام رفتار در قالب احکام قانونی ممکن نبود، ضوابطی که اکثر افراد بتوانند آن‌ها را بدون راهنمایی بیشتر بفهمند و از آنان بخواهند عمل خاصی را در موقعیتی معین انجام دهند یا از انجام دادن عملی پرهیز کنند، آنچه اکنون به مثابه قانون می‌شناسیم امکان وجود نمی‌یافت. از این رو، قانون اغلب، البته نه منحصرراً، باید به نوع اشخاص و اعمال و امور و شرایط ارجاع دهد و نه به

مصادیق و امور موردی و احکام جزئی (هارت، ۱۳۹۹: ۲۰۱). در واقع «کار تقنین بیان حکم قضایای جزئی نیست، بلکه قانون‌گذار باید با تدوین اصول و قواعد کلی کار تطبیق آن بر مصادیق را به قضات واگذار نماید، مگر در موارد ضروری و استثنایی برای جلوگیری از اختلاف آرا» (محمدی جورکویه، ۱۳۸۳: ۱۶۲).<sup>۲</sup> چه به همان اندازه که دادرس از بیان حکم کلی ممنوع است،<sup>۳</sup> قانون‌گذار نیز از بیان حکم جزئی و تعیین مصادیق ممنوع است. بر همین اساس است که گفته می‌شود کار قانون‌گذار تعیین فرمول‌های ریاضی است که به وسیله آن بتوان همه مسائل را حل کرد، نه بیان پاسخ و تعیین تکلیف برخی از مسئله‌های موجود (اسلامی، ۱۳۹۹: ۶۵). مبتنی بر این توضیحات، اصل و معیاری در قانون‌گذاری تثبیت شده است که از آن به عنوان «قاعده‌گرایی» یا تدوین اصول کلی و پرهیز از تفصیل بیهوده یاد می‌شود. بر این اساس، قاعده حقوقی/ قانونی یک حکم کلی قانونی است که قابل انطباق بر مصادیق مختلف است. بنابراین قانون‌گذار در بسیاری از موارد یک قاعده حقوقی/ قانونی وضع می‌کند و مقام قضایی آن را با موضوعات مختلف تطبیق می‌دهد. مثلاً قانون‌گذار در ماده ۵۶۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «از بین بردن هر یک از اعضای فرد و هر دو عضو از اعضای زوج دیه کامل و از بین بردن هر یک از اعضای زوج نصف دیه کامل دارد». از این حکم تحت عنوان «قاعده دیه اعضای دوتایی» نام برده می‌شود (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۴۰۰: ۱۷۰). بنابراین قانون‌گذار حکم و قاعده کلی را در این ماده تعیین کرده است و این مقام قضایی است که در پرونده مطروحه حسب مورد میزان دیه عضو را تعیین می‌کند.

بیان حکم مصادیق جزئی در قانون می‌تواند معایب زیادی داشته باشد؛ از جمله افزایش بیش از اندازه حجم و تعداد مواد قانون، ناتوانی در پیش‌بینی همه مصادیق و لزوم بازنگری زودبه‌زود قانون با توجه به حدوث و پیدایش مصادیق جدید، دشواری آموزش و تسلط بر متن قانون، افزایش هزینه‌های انتشار قانون، بالا رفتن ضریب اشتباه، و ... بنابراین، برای جلوگیری از این معایب، وضع قاعده در قانون ارجح می‌شود. البته قاعده قانونی لزوماً در یک ماده قانونی بیان نمی‌شود و امکان دارد از جمع چند ماده قانونی یک قاعده قانونی/ حقوقی شکل گیرد.

بنابراین مراد از قاعده قانونی در این پژوهش یک قاعده کلی است که قانون‌گذار آن را در ماده/ موادی از قانون مقرر کرده و قابل انطباق بر مصادیق جزئی متعدد است. بر این اساس مفاد ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ (اصلاحی ۱۳۹۹) یک قاعده قانونی را تشکیل

می‌دهد. زیرا این ماده موضوع کلی در رابطه با تعدد مادی جرایم تعزیری (از این پس تعدد مادی) را بیان می‌کند که قابل انطباق با مصادیق و موضوعات متعدد قابل طرح است. حال که مفهوم قاعده قانونی مشخص شد تبیین مفهوم تعدد مادی بایسته است که در ادامه مطمح نظر قرار می‌گیرد.

### ۱-۳. تعدد مادی

رویه مجرمین همیشه به این منوال نیست که یک جرم مرتکب شوند و منتظر واکنش اجتماعی-قضایی بنشینند تا پس از اتمام واکنش و سپری کردن عواقب آن مجدداً مرتکب جرم دیگری شوند؛ بلکه در برخی موارد دستگاه‌های نظارتی متوجه وقوع جرم نمی‌شوند یا زمان ارتکاب جرایم محدود است و مجرم، قبل از اتمام و حتی شروع واکنش و رسیدگی قضایی، جرایم متعددی را مرتکب می‌شود (احمدزاده و همکاران، ۱۴۰۰: ۸). در چنین مواردی که صدور یک حکم قطعی بین ارتکاب جرایم متعدد (حداقل دو جرم) فاصله نینداخته است با تعدد جرم مواجه هستیم. بر این اساس تعدد جرم عبارت است از ارتکاب جرایم متعدد بدون صدور حکم محکومیت قطعی به علت اتهامات پیشین (اردبیلی، ۱۴۰۱: ۷۱). تعدد جرم دارای انواعی است؛ از جمله تعدد مادی/واقعی و تعدد معنوی/عنوانی. منظور از تعدد مادی ارتکاب حداقل دو جرم است که هر جرم دارای ارکان سه‌گانه مستقل قابل تشخیص از دیگری باشد و برای هیچ‌یک حکم محکومیت قطعی صادر نشده باشد؛ اعم از اینکه این دو جرم مشابه باشند، مانند دو فقره سرقت، یا متفاوت باشند، مانند ارتکاب یک فقره اختلاس و یک فقره جعل (منصورآبادی، ۱۴۰۱: ۱۸۰). مراد از تعدد معنوی نیز مواردی است که جرم واحد متضمن عناوین مجرمانه متعدد است؛ به این صورت که مرتکب یک رفتار را انجام می‌دهد، اما این رفتار واحد مشمول چند توصیف مجرمانه است. مثال بارز تعدد معنوی فروش مال امانی است که منطبق بر دو عنوان مجرمانه انتقال مال غیر و خیانت در امانت است.

تعدد جرم از جهات تشدید مجازات محسوب می‌شود. چون، از منظر جرم‌شناسانه، ارتکاب جرایم متعدد نمایانگر حالت خطرناک بزهکار و نشان‌دهنده این است که مجرم بدون هیچ‌گونه ترس و واهمه‌ای دست به ارتکاب جرم می‌زند و همین امر مقتضی تشدید مجازات مرتکب است (رایجیان، ۱۳۸۲: ۱۰؛ شامبیاتی، ۱۴۰۱: ۲۴۲). بر همین اساس نظام‌های کیفری در مقام تشدید مجازات چنین مجرمانی از راه‌کارهای مختلف بهره می‌برند؛ از جمله جمع

مجازات‌ها، تشدید مجازات‌ها، و اجرای مجازات‌ها شد. در ماده ۱۳۴ اصلاحی نیز از تدبیر تشدید مجازات و اجرای مجازات اشد استفاده شده است. بیان تحلیل مختصری از سابقه تقنینی ماده ۱۳۴ قبل از اصلاح در سال ۱۳۹۹ و شیوه تشدید مجازات مرتکب در فرض تعدد مادی مفید و روشنگر ادامه مسیر نوشتار است که در ادامه مطمح نظر قرار می‌گیرد.

#### ۱-۴. تحلیل تعدد مادی در ماده ۱۳۴ سابق

در رابطه با سابقه قانون‌گذاری تعدد مادی جرایم گفتنی است قبل از اصلاحات سال ۱۳۹۹ در ماده ۱۳۴ دو مورد از نظر تعدد واقعی جرم پیش‌بینی شده بود:

۱. جرایم ارتكابی بیش از سه جرم نبود (حداکثر سه جرم): دادگاه مکلف بود برای هر یک از جرایم حداکثر مجازات مقرر را مورد حکم قرار دهد. در صورتی که مجازات جرم فاقد حداقل و حداکثر بود، دادگاه تا یک‌چهارم مجازات مقرر قانونی را به مجازات اصلی اضافه می‌کرد. در نهایت فقط مجازات اشد قابل اعمال بود (اردبیلی، ۳: ۱۸۹).

۲. جرایم ارتكابی بیش از سه جرم بود (حداقل چهار جرم): دادگاه مجازات هر یک را بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی تعیین می‌کرد؛ مشروط بر اینکه از حداکثر به‌اضافه نصف آن تجاوز نکند. در صورتی که مجازات جرم فاقد حداقل و حداکثر بود، دادگاه تا حداکثر نصف مجازات مقرر قانونی هر جرم را به مجازات اصلی اضافه می‌کرد. در نهایت فقط مجازات اشد قابل اعمال بود.

بنابراین در ماده ۱۳۴ سابق ملاک تفکیک جرایم و محاسبه مجازات تعداد جرایم بود. اما قانون‌گذار در ماده ۱۳۴ اصلاحی این قاعده را کنار گذاشت و ملاک را مختلف یا غیر مختلف بودن جرایم قرار داد. قانون‌گذار در ماده ۱۳۴ اصلاحی مقرر می‌دارد: «در تعدد جرایم تعزیری، تعیین و اجرای مجازات به شرح زیر است:

الف) هرگاه جرایم ارتكابی مختلف نباشد، فقط یک مجازات تعیین می‌شود و در این صورت دادگاه می‌تواند مطابق ضوابط مقرر در این ماده، که برای تعدد جرایم مختلف ذکر شده، مجازات را تشدید کند.

ب) در مورد جرایم مختلف، هرگاه جرایم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد، حداقل مجازات هر یک از آن جرایم بیشتر از میانگین حداقل و حداکثر مجازات مقرر قانونی است.

پ) چنانچه جرایم ارتكابی مختلف بیش از سه جرم باشد، مجازات هر یک حداکثر مجازات قانونی آن جرم است. در این صورت دادگاه می‌تواند مجازات هر یک را بیشتر از حداکثر مجازات مقرر قانونی تا یک‌چهارم آن تعیین کند.

ث) در هر یک از بندهای فوق، فقط مجازات آشد مندرج در دادنامه قابل اجرا است و اگر مجازات آشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل شود یا به موجبی از قبیل گذشت شاکی خصوصی، نسخ مجازات قانونی، یا مرور زمان غیر قابل اجرا شود، مجازات آشد بعدی اجرا می‌شود و در این صورت میزان مجازات اجراشده قبلی در اجرای مجازات آشد بعدی محاسبه می‌شود...»

در ماده ۱۳۴ اصلاحی مهم‌ترین تغییری که در اجرای قاعده تعدد مادی در جرایم تعزیری به وجود آمده است آن است که قانون‌گذار میان جرایم مختلف و جرایم غیر مختلف یا مشابه تمایز گذارده است (شمس ناتری، ۱۴۰۱) بدون اینکه ملاک این تمایز معلوم باشد. این رویکرد دوگانه، که هیچ پایه علمی ندارد، متأثر از قواعد ناظر بر جرایم باب حدود است (اردبیلی، ۱۳۹۵: ۱۷۷ - ۱۷۶). در مورد ضابطه مختلف بودن یا نبودن جرایم ارتكابی و پیش‌بینی احکام مختلف برای هر مورد، گفتنی است این ضابطه مبهم قبلاً در ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۰، وجود داشت و وجود آن موجب بروز ابهامات زیادی برای دادگاه شده بود (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۱: ۲۰۷ - ۲۰۸). در این مقرر، در حالت تعدد مادی مختلف برای همه جرایم تعیین کیفر و جمع مجازات‌ها اجرا می‌شد و در تعدد مادی مشابه برای همه جرایم یک کیفر تعیین ولی تعدد از موارد تشدید اختیاری کیفر محسوب می‌شد. اما قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲، آن را کنار گذاشته بود. در ماده ۱۳۴ اصلاحی، حکم تعدد مادی مختلف و غیر مختلف متفاوت شده است.

اکنون که مفاهیم اساسی بحث تبیین شد بررسی قاعده تعدد مادی از منظر بایسته‌های تعیین قاعده قانونی را پی می‌گیریم.

## ۲. بایسته‌های تعیین قاعده قانونی با تأکید بر قاعده تعدد مادی جرایم تعزیری

قاعده تعدد مادی جرایم تعزیری از مهم‌ترین قاعده‌های قانونی مقرر در کتاب اول قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ است. این قاعده به موجب ماده ۱۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری (مصوب ۱۳۹۹) جایگزین ماده ۱۳۴ سابق شد. قانون‌گذار در این ماده با وضع یک



قاعده بین جرایم غیر مختلف (مشابه) و مختلف تفکیک قائل شده و به عبارت دیگر جرایم را به دو دسته کلی مشابه و مختلف تقسیم و بر هر دسته احکام خاصی را از لحاظ نحوه تعیین مجازات و میزان تشدید آن و صدور حکم و ... تعیین کرده است. مذاقه در بندهای مختلف این قاعده نمایانگر وجود ایرادات و نقدهایی از منظر سنجه‌های «شفافیت»، «قابل اجرا بودن»، و «تأمین اهداف» است که در ادامه مطمح نظر قرار می‌گیرد.

## ۱-۲. شفافیت قاعده قانونی

اهل لغت واژه «شفاف» را به هر آن چیزی می‌گویند که مانع نفوذ شعاع نشود یا هر چیز که از پس وی چیز دیگری را بتوان دید یا جسمی که حاجب دیدار ماورای خود نباشد؛ مانند شیشه، آب، بلور. از همین روست که واژه «شفافیت» به معنای تابانی و درخشانی و شفافیت تأویل شده است (دهخدا، ۱۳۸۵: ۱۸۰۹). مراد از شفافیت در اصطلاح نیز همان آشکاری و نمایان بودن و نداشتن حاجب است و در رابطه با قانون به طور اخص می‌توان بر این عقیده بود که شفافیت قانون به این معناست که قانون روشن و بدون ابهام باشد و به‌وضوح بتوان از آن مراد قانون‌گذار را دریافت.

در رابطه با میزان شفافیت قانون و قاعده قانونی یک پرسش اساسی این است که «قانون باید برای حقوقدانان قابل فهم باشد یا برای همگان؟». به عبارت دیگر، قانون و قاعده قانونی باید برای چه کسانی شفاف و قابل فهم باشد؟ در پاسخ به این پرسش سه رویکرد بین حقوقدانان وجود دارد: رویکرد ساده‌نویسی، رویکرد فنی‌نویسی، رویکرد ترکیبی (انصاری، ۱۳۹۹: ۱۱۴ - ۱۲۰). رویکرد ساده‌نویسی مورد تأکید اندیشمندانی چون منتسکیو قرار گرفته است<sup>۴</sup> و منظور از آن این است که «قانون باید در قالبی از کلمات ریخته شود که به طور روشن و صریح بر مقصود قانون‌گذار دلالت کند.<sup>۵</sup> قانون باید به زبانی نوشته شود که برای عموم مردم قابل فهم باشد و آن‌چنان صریح باشد که دادرس را در اجرای آن دچار تردید و دودلی نکند.» (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۵: ۷۵). در واقع، برخلاف متون ادبی و برخی نوشته‌های علمی، که استفاده از عبارت‌های پیچیده و ثقیل در آن‌ها نشان‌دهنده مهارت و هنر نویسنده در فن نویسندگی و آشنایی وی با صنایع لفظی و ادبی است، چنین سبک نگارشی در مورد قانون عیب تلقی می‌شود. چون قانون به منظور حکومت بر روابط و افعال مردم وضع می‌شود و پیچیده و ثقیل نوشتن و شفاف نبودن آن نتیجه‌ای جز برداشت‌های متعدد و چه‌بسا متناقض از

آن در مقام اجرا و ناتوانی مخاطبان قانون در فهم و اجرای آن در پی نخواهد داشت و این وضعیت برقراری نظم و تحقق عدالت در پرتو اجرای قانون را مختل می‌کند. به همین دلیل است که سادگی و روانی و شفاف بودن از خصایص قانون تلقی می‌شود (ذبیحی بیدگلی، ۱۳۹۴: ۲۱۵). بر همین اساس یکی از سنجه‌های تعیین عیار قانون شفاف بودن آن است. این اصل تضمینی بر کیفیت قانون است و گسترش آن ثبات حقوقی را در پی خواهد داشت (جمشیدی ذوغالی، ۱۳۹۷: ۴۸ - ۴۹). اهمیت این موضوع در رابطه با قواعد قانونی بیشتر است. چون قواعد قانونی با هدف تطبیق بر مصادیق متعدد و متنوع وضع می‌شوند و مصادیق قابل انطباق با آن‌ها بسیار بیشتر از مواد معمولی قانون است. بنابراین تأثیرگذاری آن‌ها بیشتر است. پس، قانون‌گذار باید نهایت دقت و اهتمام خود را به کار گیرد تا قواعد قانونی را به صورت کاملاً شفاف وضع کند. اما این بایسته در رابطه با قاعده تعدد مادی جرایم رعایت نشده است.

توضیح اینکه قواعد قانونی مترصد ارائه یک ملاک و معیار قابل انطباق بر مصادیق و موضوعات متعدد جزئی هستند. اما قاعده مقرر در ماده ۱۳۴ مبنی بر تفکیک تعدد مادی از جهت جرایم مشابه و مختلف ناتوان از تحقق این مهم است. قانون‌گذار در بند «الف» این ماده مقرر می‌دارد: «هرگاه جرایم ارتكابی مختلف نباشد، فقط یک مجازات تعیین می‌شود». اولین سؤال اساسی قابل طرح این است که مراد از جرایم غیر مختلف یا مشابه چیست؟ به عبارت دیگر ملاک مشابه محسوب شدن جرایم عنصر قانونی است یا مادی یا روانی (یا هر سه)؟ (اردبیلی، ۳: ۱۷۶ - ۱۷۷). مثلاً آیا شروع به جرم با جرم تام، معاونت در جرم با مباشرت در آن، کلاهبرداری ساده با کلاهبرداری مشدد، و خیانت در امانت با اختلاس را باید متفاوت محسوب کرد یا مشابه؟ (میرمحمدصادقی، ۳: ۲۰۷ - ۲۰۸). قانون‌گذار در این رابطه سکوت کرده و معیاری ارائه نکرده است. اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره ۶۷۶/۹۹/۷ (مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۰۴) در رابطه با جرایم مشابه و مختلف صرفاً دسته‌بندی از جرایم غیر مختلف را بیان کرده و این نظریه مشورتی ناتوان از ارائه معیار و ملاک برای شناسایی جرایم غیر مختلف است. مثلاً در بند ۳ این نظریه «واحد بودن موضوع رفتار مجرمانه» ملاک مشابه محسوب شدن جرایم است. بنابراین در این بند برای مشابه محسوب شدن جرایم متعدد موضوع آن‌ها باید واحد باشد. مثلاً حمل ماده مخدر مرفین با نگهداری آن جرم مشابه محسوب می‌شوند؛ اما حمل مرفین و نگهداری تریاک

جرایم مختلف محسوب می‌شوند. لکن در بند ۴ «ذکر جرایم در ماده قانونی واحد» ملاک مشابه محسوب شدن است. به عبارت دیگر اینجا صرف ذکر عناوین مجرمانه در یک ماده قانونی کفایت می‌کند و تفاوت در میزان مجازات یا موضوع رفتار مجرمانه مانع مشابه محسوب شدن آنها نیست (روستایی و رحمانیان، ۱۴۰۱: ۱۱۵ - ۱۳۰).<sup>۷</sup>

با بررسی بندهای مختلف این نظریه مشخص می‌شود هیچ‌گونه سختی بین بندهای یادشده وجود ندارد و معیار واحدی برای مشابه محسوب شدن جرایم در این نظریه مشورتی بیان نشده است و صرفاً دسته‌ای از جرایم که لزوماً هم دارای وجه اشتراک نیستند بر اساس ملاک‌های متفاوت به عنوان جرم مشابه معرفی شده‌اند. این در حالی است که شفافیت قاعده حقوقی مستلزم وجود ملاک و معیار دقیق و مشخص است. این عدم شفافیت موجب اختلاف نظر بین حقوقدانان نیز شده است.

توضیح اینکه، با توجه به عدم شفافیت ملاک قاعده جرایم غیر مختلف، برخی معتقدند ملاک عنصر قانونی است. بنابراین در فرضی که شخص مرتکب سه فقره سرقت موضوع مواد ۶۵۱ و ۶۵۲ و ۶۵۸ قانون مجازات اسلامی تعزیرات شده است باید گفت شخص مرتکب جرایم مختلف شده است (الهام و برهانی، ۱۴۰۰: ۲۲۸ - ۲۲۹). لکن، به نظر برخی دیگر، عنصر مادی بیش از عناصر دیگر در تشخیص اختلاف بین جرایم چشمگیر است و شاید بتوان در تعیین اختلاف بین جرایم همین عنصر را به عنوان راهنما در فرض مسئله پذیرفت (اردبیلی، ۱۴۰۱: ۱۷۷). اختلاف همچنان باقی است و ارائه پاسخ قطعی و تعیین ضابطه و معیار در این رابطه، اگر نگوئیم بعید، بسیار دشوار است و فقط نسبت به حد اعلای مشابه بودن جرایم، یعنی وحدت عناصر قانونی و مادی و روانی، و نیز میزان مجازات اتفاق نظر وجود دارد و شاید به دلیل همین دشواری است که نه تنها مقنن بلکه اداره حقوقی قوه قضاییه و حقوقدانان نیز از ارائه معیار عاجز بوده‌اند. البته در این رابطه نقد اصلی بر عملکرد مقنن است. چون در ابتدا تبصره‌ای در متن قانون گنجانده شده بود تا ملاکی باشد برای تفکیک جرایم مختلف از غیر مختلف.<sup>۸</sup> این تبصره با ایراد شورای نگهبان مواجه شد. اما قانون‌گذار، به جای تلاش و پافشاری برای رفع ایراد شورای نگهبان، راه آسان را انتخاب و آن تبصره را حذف کرد و باعث پیدایش ابهامات فعلی شد. در واقع مجلس شورای اسلامی، به جای پاسخ‌گویی به ایراد و شفاف کردن قانون، اقدام به حذف تبصره یادشده کرد و موجب ابهام و عدم شفافیت قانون شد.

نتیجه آنکه با توجه به اهمیت و تأثیرگذاری بالای قواعد قانونی بایسته است قانون‌گذار به صورت شفاف آن‌ها را بیان کند تا ملاک و ضابطه آن‌ها به صورت روشن مشخص و تحقیق‌بخش اهداف مقنن باشد. در فرض اخیر، قاعده قانونی وضع شده توسط قانون‌گذار نه تنها برای مجریان قانون روشن نیست و آن‌ها را دچار سردرگمی می‌کند، بلکه مخاطبان عام قانون که بعضاً دانش حقوقی ندارند نیز از فهم و درک صحیح قاعده یادشده ناتوان خواهند بود. این در حالی است که مقدمه اجرای یک قاعده قانونی فهم و درک صحیح آن است. علاوه بر آن، عدم شفافیت قواعد حقوقی در تضاد با رعایت اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها نیز است؛ بدین شرح که «اصل شفافیت به گونه‌ای تکمیل‌کننده اصل یادشده است. چراکه فرض قانونی که در آن جرایم و مجازات‌ها ذکر شده باشند، اما از صراحت بایسته برای فهم مخاطبان خود برخوردار نباشد، بدون شک، به منزله نبود این اصل است» (جمشیدی ذوغالی، ۱۳۹۷: ۴۸ - ۴۹). بنابراین قانون نارووشن نه تحقیق‌بخش عدالت است نه می‌تواند روشن‌کننده مسیر صحیح رفتار شهروندان باشد. پس، مناسب است قانون‌گذار در جهت ارائه معیار و تعریف جرایم مشابه و مختلف اقدام کند یا با حذف این معیار به ملاک «تعداد جرایم» مقرر در ماده ۱۳۴ سابق بازگردد.

## ۲-۲. قابل اجرا بودن قاعده قانونی

قاعده‌ای که از خلال فرایند پیچیده قانون‌گذاری به قاعده الزام‌آور تبدیل می‌شود زمانی خوب به حساب می‌آید که ضمن انطباق با معیارهای مندرج در قانون اساسی و عرف و واقعیات موجود در جامعه اجرای آن با کمترین هزینه ممکن موجب افزایش رفاه عمومی و امنیت شود و استحکام‌بخش و تثبیت‌کننده نظم اجتماعی باشد. از همین رو، وضع قوانین و قواعدی که فاقد قابلیت اجرایی هستند و بر اساس آرمان و آرزوهای قانون‌گذار وضع می‌شوند یا نتیجه بی‌دقتی قانون‌گذار هستند و در عمل ابهامات و اشکالات متعددی در مسیر اجرای آن‌ها وجود دارد با فلسفه وجودی قانون مغایرت دارد. بر همین اساس قواعد تقنینی که قابلیت اجرایی ندارند، حتی اگر عالی‌ترین باشند، ارزش و اعتبار خود را از دست می‌دهند (فراهانی، ۱۴۰۱: ۷۸).

در واقع در ورای هر عمل عقلایی هدف یا اهدافی نهفته است و قوانین و قواعد قانونی نیز برای اجرا شدن و تحقق اهداف معینی وضع می‌شوند. از این رو، قوانینی باید وضع شوند که قابلیت اجرایی و اثربخشی داشته باشند. در همین زمینه از قانون‌گذاری که «حکیم بودن» فرضی مسلم برای اوست انتظار می‌رود، با نهایت دقت، قانونی قابل اجرا وضع کند. چون،

وضع قانونی که موردی برای اعمال نداشته یا اعمال آن با مشکلات و چالش‌های عدیده‌ای همراه باشد، علاوه بر اینکه حکیم بودن مقنن را کم‌رنگ می‌کند، باعث سلب اعتماد عموم مردم از قانون‌گذار می‌شود و اعتبار سایر قوانین را نیز در نظر آن‌ها کم‌رنگ می‌کند. علاوه بر آن، وضع قانونی که قابلیت اجرا ندارد صرفاً هزینه‌ی اجرایی و انسانی در پی خواهد داشت، بدون آنکه سودی به همراه داشته باشد و منافی با اصل سودمندی قانون است. بر همین اساس برخی صاحب‌نظران حوزه‌ی قانون‌گذاری یکی از ارزش‌های بنیادین قوانین را قابلیت اجرای آن‌ها می‌دانند (رینرسون، ۱۳۹۹: ۲۲۲ - ۲۲۴). با این حال از این منظر قانون‌گذار در تعیین قاعده‌ی تعدد مادی عملکرد مناسبی نداشته است و در برخی موارد قابل اجرا بودن قاعده‌ی مقرر قانون‌گذار مورد تردید است. توضیح اینکه، جرایم با وحدت عنوان مجرمانه یک دسته از جرایم‌اند که در نظریه‌ی مشورتی اشاره‌شده غیرمختلف محسوب می‌شوند. از سوی دیگر قانون‌گذار در بند «الف» ماده‌ی ۱۳۴ مقرر کرده اگر جرایم ارتكابی یکسان باشند فقط یک مجازات تعیین می‌شود؛ لکن جمع این دو حکم باعث می‌شود اساساً امکان اعمال قاعده‌ی تعدد جرم و تعیین مجازات برای مرتکب وجود نداشته باشد (احمدزاده و تام، ۱۳۹۹: ۱۰۲). توضیح اینکه، اگر جرایم ارتكابی هم‌نام دارای مجازات متفاوت باشند «فقط یک مجازاتی» که مقام قضایی باید بر اساس بند «الف» ماده‌ی ۱۳۴ در این حالت در نظر بگیرد کدام مجازات خواهد بود؟ مثلاً، سرقت‌های مختلف تعزیری دارای عنوان واحدند. حال اگر شخصی مرتکب سرقت همراه با پنج شرط (با مجازات پنج تا بیست سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق) و سرقت مقرون به آزار (با مجازات سه ماه تا ده سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق) و سرقت ساده (با مجازات سه ماه و یک روز تا دو سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق) شود، مقام قضایی باید کدام مجازات را برای مرتکب تعیین کند؟ این مشکل محدود به فرض ملاک بودن وحدت عنوان مجرمانه نیست و در جایی هم که ملاک یکسان بودن عناصر متشکله‌ی جرم باشد وجود دارد. مثلاً، اگر شخصی مرتکب دو فقره تخریب کیفی شده باشد که در یکی از آن‌ها میزان خسارت وارده بیش از یکصد میلیون ریال (مستوجب سه تا ۱۸ ماه حبس باشد) و در دیگری میزان خسارت وارده کمتر از یکصد میلیون ریال (مستوجب جزای نقدی تا دو برابر میزان خسارت وارده) باشد، مقام قضایی چگونه می‌تواند بر اساس بند «الف» ماده‌ی ۱۳۴ برای مرتکب یک مجازات تعیین کند؟ (روستایی و رحمانیان، ۱۴۰۱: ۱۲۲ - ۱۲۴).

مشکل دیگر اینکه پس از تعیین جرایم مشابه و غیر مشابه نوبت به شمارش آن‌ها برای محاسبه مجازات می‌رسد. لکن قانون‌گذار راجع به نحوه شمارش جرایم مشابه و مختلف سکوت کرده است و عدم شفافیت قاعده یادشده موجب مشکل / ممتنع شدن تعیین حکم در مواردی شده است. بیان یک مثال مشکل را نمایان می‌کند. اگر فردی متهم به ارتکاب سه فقره کلاهبرداری، یک فقره خیانت در امانت، و یک فقره سرقت تعزیری باشد چگونه باید جرایم را شمارش کرد؟ سه حالت متصور است: الف) مجموع جرایم را پنج فقره بدانیم (سه فقره کلاهبرداری + یک فقره خیانت در امانت + یک فقره سرقت)؛ ب) مجموع جرایم را سه فقره بدانیم (یک فقره کلاهبرداری + یک فقره خیانت در امانت + یک فقره سرقت)؛ پ) مجموع جرایم را دو فقره بدانیم (یک فقره خیانت در امانت + یک فقره سرقت). در حالت اول همه جرایم را شمارش می‌کنیم و بین جرایم مشابه و مختلف تمایز قائل نمی‌شویم. در حالت دوم عناوین مجرمانه را ملاک قرار می‌دهیم. در حالت سوم بین جرایم مختلف و مشابه تمایز قائل می‌شویم و هر یک را جداگانه محاسبه می‌کنیم (احمدزاده و تام، ۱۳۹۹: ۱۰۳ - ۱۰۴). انتخاب هر یک از طرق یادشده اقتضانات خاص خود را به همراه دارد و گزینش هیچ‌یک خالی از عیب نخواهد بود و این مهم موجب اختلاف در رویه قضایی و اجرای نامناسب قاعده تعدد جرایم تعزیری خواهد شد. به عبارت دیگر تعیین ملاک جرایم مشابه و مختلف نه تنها گره از کار نگشاده بلکه بر مشکلات عملی تعیین مجازات افزوده است.

ادامه زنجیره عدم امکان اجرای قاعده مربوط به محاسبه میزان مجازات اجراشده اشد در زمان اجرای مجازات اشد بعدی است. توضیح اینکه، از نوآوری‌های قاعده تعدد مادی تصریح به محاسبه میزان مجازات اجراشده اشد در زمان اجرای مجازات اشد بعدی است. البته در زمان حکومت قانون سابق نیز رویه قضایی به همین نحو عمل می‌کرد. چون اقتضای عدالت چنین بود (احمدزاده و تام، ۱۳۹۹: ۱۰۹). بر این اساس، هرگاه فردی به تحمل دوازده سال حبس محکوم شود و پس از گذشت چهار سال، به دلایلی، مانند گذشت شاکی، بقیه مدت حبس غیر قابل اجرا شود و مجازات اشد بعدی هشت سال حبس باشد، با لحاظ مجازات اجراشده، وی چهار سال دیگر در حبس خواهد بود (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۱: ۲۰۲ - ۲۰۳). در اینجا یک سؤال اساسی این است که نحوه احتساب مجازات اجراشده در فرضی که مجازات اشد بعدی نوعاً متفاوت است به چه نحو است؟ مثلاً، مجازات اشد اول حبس بوده و شش ماه از آن

سپری شده و اکنون باید این میزان را برای مجازات اشد بعدی، که شلاق است، محاسبه کنیم. هرچند قانون‌گذار پاسخ صریحی به این سؤال نداده، در مواردی که مجازات اشد بعدی که قرار است اجرا شود جزای نقدی یا شلاق باشد، محاسبه آسان است و با وحدت ملاک ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی می‌توان هر روز حبس را معادل سه ضربه شلاق یا دو میلیون و پانصدهزار ریال جزای نقدی دانست (فرهمنند و گرامی، ۱۳۹۹: ۱۹۷). اما اگر مجازات اشد بعدی مصادره کل اموال، انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی، محرومیت از حقوق اجتماعی، انتشار حکم محکومیت قطعی در رسانه‌ها باشد تکلیف چیست و چگونه باید میزان مجازات اجراشده را محاسبه کرد؟ پاسخ به این فرض از سؤال مشکل است و نمی‌توان قاعده‌ای واحد برای همه موارد برای آن تعیین کرد.

نتیجه آنکه قاعده منتخب قانون‌گذار در رابطه با تعدد جرایم در حالات متعددی در مراحل مختلف دسته‌بندی جرایم، شمارش آن‌ها، تعیین مجازات، و حتی اجرای مجازات قابلیت اجرا ندارد یا اجرای آن با چالش‌های عدیده‌ای مواجه است و این امر نتایج زیان‌باری در پی خواهد داشت؛ از جمله اختلاف در رویه قضایی و صدور احکام متفاوت، بی‌عدالتی در تعیین مجازات، افزایش زمان رسیدگی، کاهش ارجح قانون و قانون‌گذار.

### ۲-۳. تأمین اهداف توسط قاعده قانونی

پرواضح است که مقنن هر قانونی یا قاعده قانونی را با هدف یا غایتی به منصفه ظهور می‌رساند.<sup>۹</sup> پاسخ به این سؤال که «هدف قانون چیست؟» یکی از مباحث اختلافی و پیچیده در فلسفه حقوق است که حقوقدانان هر یک به این پرسش پاسخی داده‌اند. برخی تأمین منافع طبقه حاکم، برخی برقراری نظم و عدالت، و برخی ایجاد محیط مناسب و تعاون اجتماعی را هدف قانون می‌دانند (ذبیحی بیدگلی، ۱۳۹۴: ۶۱ - ۸۴). لکن، صرف‌نظر از اینکه هدف قانون چیست، وقتی قانونی توسط مقنن وضع می‌شود انتظار منطقی این است که این قانون بتواند اهداف و غایت خود را تأمین کند. چون در غیر این صورت وضع قانون بیهوده می‌نماید. اما باید توجه کرد که مسیر رسیدن به اهداف در همه قوانین یکسان نیست و همین امر بر اهمیت دقت نظر و نکته‌سنجی و ظرافت عمل قانون‌گذار می‌افزاید. «برای مثال، به طور کلی می‌توان گفت هدف قانون تأمین عدالت است. اما راه رسیدن به این هدف در بخش مسئولیت مدنی از حقوق مدنی جبران خسارت زیان‌دیده و اینکه خسارت زیان‌دیده بدون جبران نماند است. اما

حقوق جزا، چون بر مسئولیت اخلاقی مجرم مبتنی است که با اراده مرتکب جرم شده و قابل سرزنش است، راه رسیدن به عدالت مجازات کردن او خواهد بود» (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۵: ۶۶). در رابطه با قواعد تقنینی نیز وضع به همین منوال است. در واقع می‌توان اهداف قانون را به دو دسته «اهداف کلی» و «اهداف جزئی» تقسیم کرد. مراد از اهداف کلی همان مفاهیم عالی و آرمان‌هایی هستند که بیان شد؛ از جمله تحقق عدالت، برقراری نظم اجتماعی، ایجاد محیط مناسب، تعاون اجتماعی. اما در دل قوانین نیز هر فصل، بخش، یا قاعده قانونی با هدف یا اهدافی مشخص وضع شده است. مثلاً هدف از وضع مقررات تعدد جرم نحوه تعیین مجازات در فرضی است که شخصی مرتکب چند جرم شده است و غایت آن مجازات مناسب مرتکب در جهت تحقق عدالت، پیشگیری از جرم، اصلاح مرتکب و بازاجتماعی کردن او، جبران نظم اجتماعی لطمه‌دیده، و ... است. بر این اساس، تحقق اهداف کلی و کلان قوانین جزایی از جمله تحقق عدالت ایجاب می‌کند در مواردی، مانند فرضی که شخصی مرتکب چند جرم شده است، مجازات وی تشدید شود. اما در برخی فروض قاعده قانونی وضع شده توسط مقنن ناتوان از تحقق این مهم است و نه تنها مجازات مرتکب تشدید نمی‌شود بلکه به نظر می‌رسد مجازات وی جنبه تخفیفی دارد.

توضیح اینکه با توجه به متفاوت بودن نوع و میزان مجازات جرایم (حبس، شلاق، جزای نقدی)، فرضی متصور است که هرچند مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌شود، میزان مجازات جرم خفیف‌تر در قضاوت عرف بسیار سنگین‌تر از مجازات اشد مورد اجراست. مثلاً فردی مرتکب یک فقره ربایش غیر واجد عنوان سرقت با مجازات قانونی شش ماه تا یک سال حبس (موضوع ماده ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی تعزیرات) و یک فقره تغییر کاربری اراضی زراعی (موضوع ماده ۳ قانون حفظ کاربری اراضی و باغ‌ها مصوب ۱۳۷۴) با مجازات قانونی جزای نقدی از یک تا سه برابر بهای اراضی زراعی می‌شود. مجازات جرم تغییر کاربری اراضی یک تا سه برابر بهای اراضی زراعی است و این مجازات جزای نقدی نسبی محسوب می‌شود و به حکم رأی وحدت رویه شماره ۷۵۹ دیوان عالی کشور جزای نقدی نسبی تعزیر درجه هفت محسوب می‌شود. مجازات جرم اول نیز حبس تعزیری درجه شش است. بنابراین مجازات جرم اول اشد است و مرتکب به آن مجازات محکوم می‌شود. در این فرض اگر میزان بهای اراضی زراعی تغییر کاربری داده شده به تشخیص کارشناس به میزان یکصد میلیارد ریال



باشد، حتی اگر دادگاه مرتکب را به یک برابر میزان آن محکوم کند، میزان جزای نقدی یکصد میلیارد ریال (ده میلیارد تومان) خواهد بود. این میزان جزای نقدی برابر با تعزیر درجه یک است. لکن در هر حال فقط مجازات اشد، یعنی حبس تعزیری درجه شش، اجرا خواهد شد. بنابراین، می‌توان بر این عقیده بود که در این فرض به جای تشدید مجازات مرتکب از تخفیف برخوردار شده است. چون مدت کوتاه حبس را تحمل می‌کند و از سود مالی کلان تغییر کاربری اراضی بهره می‌برد. درحالی‌که هدف از اجرای مقررات تعدد جرم تشدید مجازات مرتکب است! این در حالی است که در زمان تحمل حبس نیز امکان برخورداری از نهادهای ارفاقی برای وی وجود دارد.

برای پرهیز از چنین نتایجی قانون‌گذار باید در مقام وضع قاعده به تفاوت مجازات‌ها و فروض یادشده ناشی از آن توجه کند و مثلاً مقرر کند اگر مجازات غیر اشد جزای نقدی نسبی و مجازات اشد حبس یا شلاق باشد، مجازات جزای نقدی نسبی نیز به همراه مجازات اشد اجرا می‌شود. البته راه دیگر این است که جزای نقدی نسبی را با توجه به میزان آن تعزیر درجه یک تا هشت محسوب کند و لزوماً آن را تعزیر درجه هفت محسوب نکند.

نتیجه آنکه اغراق نخواهد بود اگر بگوییم قاعده تعدد مادی در جرایم تعزیری بیشتر شبیه جهات تخفیفی است تا جهات تشدید مجازات. چون فرد به وسیله این قاعده صرفاً به یک مجازات تشدیدشده یا نهایتاً به یکی از مجازات‌های ارتكابی اشد تشدیدشده محکوم می‌شود؛ نه آنکه برای هر یک از جرایم ارتكابی خود مجازات شود. از همین رو ممکن است برای مرتکبی، در دادنامه، چند مورد حبس تعیین شود؛ اما، در مقام اجرا، صرفاً مجازات اشد قابل اجرا باشد. حال آنکه ممکن است مرتکب در خصوص همان مجازات اشد نیز که قابل اجرا است آزادی مشروط، تعلیق اجرای مجازات، یا عفو بگیرد و بدین ترتیب مجازات همان جرم اشد را نیز متحمل نشود! نتیجه آنکه قاعده برگزیده قانون‌گذار در فروضی نه تنها موجب تشدید مجازات نمی‌شود بلکه از جهتی به نفع متهم است و ارفاق نسبت به وی محسوب می‌شود و این با هدف و مبنای مقررات تعدد جرم منافات دارد. این مهم باعث می‌شود این قاعده از تحقق اهداف خود ناتوان باشد. چون یکی از اهداف قوانین جزایی و اعمال مجازات پیشگیری از جرم است. به عبارت دیگر، یکی از غایت‌های اساسی تعیین مجازات برای اعمال ممنوع و اعمال مجازات پیشگیری از ارتكاب جرم است. اما، با توجه به

قاعده تعدد مادی، در صورت ارتکاب جرم شدید، ارتکاب جرم خفیف‌تر بدون مجازات می‌ماند و مجرم به ارتکاب جرایم خفیف‌تر تشویق خواهد شد.

### نتیجه‌گیری

هدف از وضع قانون و قواعد قانونی تحقق ارزش‌های بنیادین، مانند عدالت و نظم اجتماعی، است. لکن همه قوانین لزوماً تحقق‌بخش این اهداف نیستند؛ بلکه تنها قوانین مطلوب، یعنی قوانینی که سنجه‌ها و بایسته‌های اساسی، از جمله شفافیت و قابل اجرا بودن و تأمین اهداف، در آن‌ها رعایت شده باشد، توان تحقق این آرمان‌ها را دارند. لکن مذاقه در قاعده تعدد مادی جرایم تعزیری مقرر در ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی (اصلاحی ۱۳۹۹) نمایانگر عدم اعتنا به این سنجه‌ها در مواردی است. بر این اساس استفاده از عبارت جرایم غیر مختلف (مشابه) و مختلف دارای ابهام است و ملاک و معیاری برای تشخیص و تفکیک این جرایم وجود ندارد و این مهم باعث شده هر یک از حقوقدانان ملاک و معیاری برای تفکیک جرایم مختلف و غیر مختلف ارائه کنند. از منظر قابلیت اجرایی نیز تعیین ملاک محاسبه و شمارش جرایم مختلف و غیر مختلف مشخص نیست. مضافاً اینکه محاسبه مجازات اجراشده در فرض اعمال مجازات اشد بعدی، در برخی فروض، مانند مواردی که مجازات اشد بعدی مصادره کل اموال یا انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی یا محرومیت از حقوق اجتماعی یا انتشار حکم محکومیت قطعی در رسانه‌ها باشد، ممکن نیست. در نهایت، از منظر تأمین اهداف قاعده حقوقی نیز اعمال مقررات تعدد در مواردی جنبه تخفیف و ارفاقی دارد و فاقد جنبه بازدارندگی است.

### پیشنهادهای

برای برون‌رفت از وضعیت موجود و افزایش کیفیت و کارایی قاعده قانونی یادشده، اصلاحات و تغییراتی قابل انجام است؛ از جمله اینکه:

۱. جرایم مشابه و مختلف توسط قانون‌گذار تعریف و معیار تفکیک و تمایز آن‌ها ارائه شود. مثلاً وحدت عنصر قانونی و یکسان بودن نوع و میزان مجازات و در حکم جرم دیگری بودن می‌تواند از معیارهای مشابه محسوب شدن جرایم باشد.

۲. از منظر بهبود قابلیت اجرای قاعده نیز مناسب است قانون‌گذار نحوه شمارش جرایم را، در فرض جمع جرایم مشابه و مختلف، بیان کند. در این رابطه محاسبه جرایم مشابه و مختلف به صورت جداگانه اولی است.

۳. از جهت تأمین اهداف قانون نیز پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار در جهت اصلاح قاعده تعدد مادی جرایم تعزیری امکان اجرای مجازات جزای نقدی نسبی اشد در کنار مجازات اشد را پیش‌بینی کند.

## یادداشت‌ها

۱. ماده ۹ سیاست‌های کلی قانون‌گذاری: «رعایت اصول قانون‌گذاری و قانون‌نویسی و تعیین سازوکار برای انطباق لوایح و طرح‌های قانونی با تأکید بر:
  - قابل اجرا بودن قانون و قابل سنجش بودن اجرای آن.
  - معطوف بودن به نیازهای واقعی.
  - شفافیت و عدم ابهام.
  - استحکام در ادبیات و اصطلاحات حقوقی.
  - بیان شناسه تخصصی هر یک از لوایح و طرح‌های قانونی و علت پیشنهاد آن.
  - ابتنا بر نظرات کارشناسی و ارزیابی تأثیر اجرای قانون.
  - ثبات، نگاه بلندمدت و ملی.
  - انسجام قوانین و عدم تغییر یا اصلاح ضمنی آن‌ها بدون ذکر شناسه تخصصی.
  - جلب مشارکت حداکثری مردم، ذی‌نفعان، و نهادهای قانونی مردم‌نهاد تخصصی و صنفی در فرایند قانون‌گذاری.
  - عدالت‌محوری در قوانین و اجتناب از تبعیض ناروا، عمومی بودن قانون و شمول و جامعیت آن و حتی‌الامکان پرهیز از استثنای قانونی.»
۲. همچنین باید توجه نمود که قانون‌گذار نباید قانونی نگارش نماید که هدف از آن مجازات اشخاص معین باشد؛ چه مجازات اشخاص معین از وظایف قوه قضاییه است (نصیری، ۱۳۸۲: ۸۳).
۳. ماده ۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی: «دادگاه‌ها مکلف‌اند در مورد هر دعوا به طور خاص تعیین تکلیف نمایند و نباید به صورت عام و کلی حکم صادر کنند».
۴. منتسکیو در این رابطه می‌نویسد: «انشا و مضامین قانون باید صریح باشد. بهترین نمونه برای نشان دادن یک قانون صریح الواح دوازده‌گانه است که تمام اطفال رومی آن را فراگرفته و حفظ می‌کردند. ولی، برعکس، قانون ژوستین، امپراتور روم، به قدری غیر صریح و پیچیده بود که لازم شد آن را خلاصه نمایند. قوانین هرگز نباید لطیف و دقیق نوشته شود و قانون‌گذار نبوغ استدلالی و منطقی خود را در آن به کار برد. زیرا قوانین برای کسانی نوشته می‌شود که فهمشان کم است و فقط دلایل ساده و عادی را می‌توانند بفهمند» (منتسکیو، ۱۳۴۳: ۸۷۲).
۵. برای نمونه در دعوی «City of Akron V. Akron Center for Reproductive Health» دادگاه عالی امریکا قانون سقط جنین اوهایو را غیر قابل اجرا دانست. زیرا واژه «روش انسانی» مبهم بود. در بخشی از



قانون آمده بود: «پزشکان باید مطمئن باشند که عمل سقط جنین به روش انسانی و بهداشتی انجام می‌شود.» (انصاری، ۱۳۹۹: ۱۱۹).

۶. نظریه مشورتی شماره ۶۷۶/۹۹/۷ (مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۰۴) اداره حقوقی قوه قضاییه: «در موارد زیر جرایم غیر مختلف محسوب می‌شوند: ۱. ارتکاب یک جرم خاص به صورت متعدد، مانند ارتکاب متعدد سرقت‌های منطبق با یک ماده مشخص؛ ۲. جرایمی که به‌رغم تعدد عنصر قانونی و متفاوت بودن مجازات‌ها تحت عنوان جرم واحد شناخته می‌شوند، مانند سرقت‌های متعدد، جعل اسناد مختلف، صدور چک بلامحل به هر شیوه که در قانون مقرر شده است؛ ۳. رفتارهای متعدد مجرمانه که موضوع آن‌ها واحد است، مانند حمل، نگهداری، فروش، صادرات، واردات، و ساخت مواد مخدر از نوع واحد، مشروبات الکلی، تجهیزات دریافت از ماهواره و اسلحه و مهمات از نوع واحد؛ ۴. دو یا چند رفتار مجرمانه که در یک ماده قانونی ذکر و برای آن‌ها مجازات پیش‌بینی شده است؛ ۵. ارتکاب جرایمی که مجازات جرم دیگر درباره آن‌ها مقرر شده است یا طبق قانون جرم دیگری محسوب می‌شود، مانند کلاهبرداری و جرایمی که مجازات کلاهبرداری درباره آن‌ها مقرر شده است و یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود؛ ۶. شروع، معاونت، و مباشرت در یک جرم. ضمناً در مواردی که به موجب نص خاص یا رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور از قبیل رأی شماره ۶۲۴ مورخ ۱۳۷۷/۰۱/۱۸ هیئت عمومی دیوان عالی کشور (جعل و استفاده از سند مجعول) برخلاف ضوابط و معیارهای فوق احکام خاصی مقرر شده باشد به همان ترتیب عمل می‌شود. بنابراین کلیه سرقت‌های موضوع بندهای مختلف ماده ۶۵۶ و همچنین سرقت‌های مسلحانه و عادی که در مواد ۶۵۱ به بعد قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ آمده است، تحت عنوان کلی سرقت‌های تعزیری، از نوع جرایم مشابه تلقی می‌شوند.»

۷. برای مطالعه ضابطه‌های تعیین جرایم مشابه و نقد و بررسی آن‌ها ← روستایی، م. و رحمانیان، ح. (۱۴۰۱). معیار تفکیک جرایم «مختلف» از جرایم «غیر مختلف» در اعمال قواعد تعدد مادی جرم. دادگستر، ش. ۱۸۸، ۱۱۵ - ۱۳۵.

۸. متن تبصره یادشده به این شرح بود: «جرایمی از قبیل سرقت یا جعل و کلاهبرداری که دارای گونه‌های مختلف با مجازات متفاوت است و جرایمی که به شیوه‌های مختلفی قابل تحقق است مثل صادرات، واردات، تولید و توزیع، حمل، نگهداری، و استعمال مواد مخدر همچنین جرایمی که به موجب قانون در حکم جرایمی دیگر محسوب می‌شود و یا مجازات جرم دیگری برای آن مقرر شده و شروع و معاونت در این جرایم متفاوت محسوب نمی‌شوند». شورای نگهبان در نظر شماره ۹۸/۱۰۲/۱۵۴۴۳ مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۰۹ در رابطه با این تبصره چنین اظهار کرد: «مواد زیر مغایر بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی در خصوص اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم شناخته شد: ... در ماده ۱۵، موضوع اصلاح ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، اطلاق تبصره ماده ۱۳۴، در خصوص متفاوت محسوب نشدن جرایم مذکور».

۹. برای مشاهده هدف و فلسفه قانون ← راسخ، م. (۱۳۸۴). بنیاد نظری اصلاح نظام قانون‌گذاری. تهران: دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. ص ۶۱ - ۸۴.



## منابع

### الف) کتاب

- اباذری فومشی، م. (۱۳۹۲). *ترمینولوژی حقوق نوین*. تهران: شهید داریوش نوراللهی.
- احمدزاده، ر. و تام، م. (۱۳۹۹). *ملاحظات دربارۀ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری*. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- اردبیلی، م. (۱۴۰۱). *حقوق جزای عمومی*. تهران: میزان. جلد سوم.
- اسلامی، س. (۱۳۹۹). *اصول و فنون قانون‌گذاری*. تهران: جنگل و جاودانه.
- الهام، غ. و برهانی، م. (۱۴۰۰). *درآمدی بر حقوق جزای عمومی؛ واکنش در برابر جرم*. تهران: میزان. جلد دوم.
- انصاری، ب. (۱۳۹۹). *اصول و فنون قانون‌گذاری؛ تنظیم پیش‌نویس طرح‌ها و لوایح (تنقیح و تدوین قوانین)*. تهران: دادگستر.
- جعفری لنگرودی، م. (۱۳۸۶). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- حاجی‌ده‌آبادی، ا. (۱۳۸۷). *قواعد فقه دیات، مطالعه تطبیقی در مذاهب اسلامی*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حاجی‌ده‌آبادی، ا. (۱۳۹۵). *بایسته‌های تقنین*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حاجی‌ده‌آبادی، ا. (۱۴۰۰). *درسنامه قواعد فقه جزایی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حاجی‌ده‌آبادی، ا. (۱۴۰۱). *قواعد فقه جزایی (حدود و تعزیرات، قصاص و دیات)*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دهخدا، ع. (۱۳۸۵). *فرهنگ متوسط دهخدا*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. جلد دوم.
- ذبیحی بیدگلی، ع. (۱۳۹۴). *بایسته‌های تقنین در حوزه خانواده*. تهران: میزان و دانشگاه امام صادق(ع).
- رینرسون، آ. (۱۳۹۹). *قانون‌نویسی گام به گام*. مترجم: آزاده عبداله‌زاده شهربابکی. تهران: سمت.





شامبیاتی، ه. (۱۴۰۱). حقوق جزای عمومی ۳. تهران: مجد.

شمس ناتری، م.ا. (۱۴۰۱). *تقریرات دوره دکتری*. قم: دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران.

عمیدزنجانی، ع. (۱۳۹۷). *قواعد فقه (جلد اول: بخش حقوق خصوصی)*. تهران: سمت.

فراهانی، م. (۱۴۰۱). *سیاست‌های کلی قانون‌گذاری؛ تحلیل محتوا و سازوکارهای اجرا*. تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.

فرهمنند، م. و گرامی، ح. (۱۳۹۹). *شرح ماده به ماده قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۳*. تهران: گنج دانش.

معین، م. (۱۳۸۵). *فرهنگ فارسی متوسط*. جلد دوم. تهران: امیرکبیر.

منتسکیو (۱۳۴۳). *روح القوانين*. مترجم: علی اکبر مهتدی. تهران: امیرکبیر.

میرمحمدصادقی، ح. (۱۴۰۱). *حقوق جزای عمومی ۳: واکنش اجتماعی در برابر جرم (مجازات و اقدام تأمینی و تربیتی)*. تهران: دادگستر.

هارت، ه. (۱۳۹۹). *مفهوم قانون*. مترجم: محمد راسخ. تهران: نی.

#### ب) مقاله

احمدزاده، ر. و الهام، غ. و تام، م. (۱۴۰۰). ضابطه تفکیک جرایم مختلف از غیر مختلف در ماده ۱۳۴ اصلاحی قانون مجازات اسلامی. *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۲۴، ۷-۲۶.

رایجیان اصلی، م. (۱۳۸۲). *تحلیلی بر مقررات تعدد جرم و دشواری‌های آن*. دیدگاه‌های حقوقی، ۲۲۸، ۹-۳۷.

روستایی، م. و رحمانیان، ح. (۱۴۰۱). معیار تفکیک جرایم «مختلف» از جرایم «غیر مختلف» در اعمال قواعد تعدد مادی جرم. *دادگستر*، ۱۸۸، ۱۱۵-۱۳۵.

محمدی جورکویه، ع. (۱۳۸۳). *نقد ساختار قانون مجازات اسلامی*. *حقوق اسلامی: فقه و حقوق*، ۱، ۱۵۷-۱۷۶.

نصیری، م. (۱۳۸۲). *ملاحظات در باب قانون‌گذاری*. *مجلس و راهبرد*، ۱۰ (۳۸)، ۸۳.



▶  
پ) پایان‌نامه

رحیمی، ا. (۱۴۰۰). بررسی عوامل رافع مسئولیت کیفری در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ از منظر بایسته‌های تقنینی. [پایان‌نامه کارشناسی ارشد]. دانشکده حقوق. قم: دانشکدگان فارابی.

جمشیدی ذوغالی، ی. (۱۳۹۷). ارزیابی قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در پرتو اصل کیفیت قانون. [پایان‌نامه کارشناسی ارشد]. اهواز: دانشگاه شهید چمران.

### References

#### A- Books:

- Abazari Fumshi, M. (2012). *Terminology Hoquq Novin*. Tehran: Shahid Dariush Noorollahi Publications. (in Persian)
- Ahmadzadeh, R. and Tom, M. (2019). *Molahezati darbare Qanun Kashesh Mojazate Habse Taziri*. Tehran: Judiciary Press and Publishing Center, second edition. (in Persian)
- Ardabili, M. (1401). *Hoquq Jazaye Omoomi*. Tehran: Mizan, twenty-sixth edition, third volume. (in Persian)
- Eslami, S. (2019). *Osool va Fonoon Qanungozari*. Tehran: Jungle Publications; Immortal, second edition. (in Persian)
- Elham, G. and Burhani, M. (1400). *Daramadi bar Hoquq Jazaye Omoomi: Vakonesh dar barabare Jorm*. Tehran: Mizan, 6th edition, 2nd volume. (in Persian)
- Ansari, b. (2019). *Osool va Fonoon Qanungozari: Tanzime Pishnevise Tarh'ha va Lavayeh*. Revision and compilation of laws, Tehran: Justice Publications. (in Persian)
- Jafari Langroudi, M. (1386). *Mabsoot dar Terminology Hoquq*. Tehran: Ganj Danesh Library. (in Persian)
- Haji Dehabadi, A. (1387). *Qavaed Fiqh Diyat Motale'e Tatbighi dar Mazahebe Eslami*. Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing Organization. (in Persian)
- Haji Dehabadi, A. (1395). *Bayestehaye Taghnin*. Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing Organization, third edition. (in Persian)
- Haji Dehabadi, A. (1400). *Darsname Qavaed Fiqh Jazayi*. Qom: Hoza Research and University. (in Persian)
- Haji Dehabadi, A. (1401). *Qavaed Fiqh Jazayi (Hodood va Tazirat, Ghesas va Diyat)*. Qom: Research Center and University. (in Persian)
- Dehhoda, A. (1385). *Farhang Motevasete Dehhoda*. Tehran: Tehran University Press, Volume II. (in Persian)
- Zabihi Bidgoli, A. (2014). *Bayestehaye Taghnin dar Hoze Khanevade*. Tehran, Mizan Publishing House: Imam Sadiq University (AS), first edition. (in Persian)



- Rinerson, A. (2019). *Ghanoon Nevisi Gam be Gam*. Translated by Azadeh Abdulzadeh Shahrabaki, Tehran: Semat Publications, first edition. (in Persian)
- Shambiati, H. (1401). *Hoquq Jazaye Omoomi 3*. Tehran: Majd. (in Persian)
- Shams Natri, Muhammad Ibrahim, (1401). *Taghrirat Dore Doctra*. Qom, Farabi School of Tehran University. (in Persian)
- Amid Zanjani, A. (2017). *Qavaed Fiqh, first volume, private law section*. Tehran: Side. (in Persian)
- Farahani, M. (1401). *Siyasat'haye Kolli Qanungozari; Tahlile Mohtava va Sazokarhaye Ejra*. Tehran: Guardian Council Research Institute. (in Persian)
- Farahmand, M. and Garami, H. (2019). *Sharhe Madde be Madde Qanoon Kaheshe Mojazate Habse Taziri approved on 2/23/1399*. Fourth edition, Tehran: Ganj Danesh Publications. (in Persian)
- Moin, M. (1385). *Farhang Farsi Motevaset*. Tehran: Amirkabir, second volume, twenty-third edition. (in Persian)
- Mir Mohammad Sadeghi, h. (1401). *Hoquq Jazaye Omoomi: Vakoneshe Ejtemayi dar Barabare Jorm (Mojazat va Eghdame Tamini va Tarbiati)*. Tehran: Nash Dadgstar, first edition. (in Persian)
- Hart, H. (2019). *Mafooome Qanoon*. Translated by Mohammad Rasakh. Tehran: Nei Publishing House, 8th edition. (in Persian)

#### **B- Articles**

- Ahmadzadeh, R. and Elham, Gha. and Tom, M. (1400). The rule of distinguishing different crimes from non-different ones in the amended article 134 of the Islamic Penal Code. *Journal of Criminal Law Research*, 24, 7-26.
- Raijian Main, M. (1382). Tahlili bar Moghararate Ta'adode Jorm va Doshvarihaye A'an. *Legal Perspectives Quarterly*, 228, 37-9. (in Persian)
- Rostaei, M. and Rahmanian, H. (1401). Criteria for Distinguishing "Different" Crimes from "Non-Different" Crimes in Applying the rules of Material Multiplicity of Crime. *Justice Journal*, 188, 115-135.
- Mohammadi Jurkoye, A. (1383). Naghde Sakhtare Qanune Mojazae Eslami. *Journal of Islamic Law: Jurisprudence and Law*, 1, 157-176. (in Persian)

#### **P- Dissertations**

- Rahimi, A. (1400). *Investigating the factors that reduce criminal liability in the Islamic Penal Code 2013 from the perspective of legislative requirements*. Master's thesis, Faculty of Law, Farabi College, Qom.
- Jamshidi Zoghali, Y. (2017). *Evaluation of the Islamic Penal Code 2012 in the light of the principle of law quality*. Master's thesis, Shahid Chamran University, Ahvaz.